

نقد مقاله «کانون وکلا، استیلا یا استقلال»

تاریخ: ۱۸/۱۰/۷۹

شماره: ۱۸۸۳۷

روزنامه محترم همشهری

در شماره ۲۲۹۳ سال نهم آن روزنامه محترم مورخ پنجشنبه ۲۴ آذرماه سال ۱۳۷۹ مقاله‌ای تحت عنوان «کانون وکلا، استیلا یا استقلال» به قلم شخصی به نام دکتر محمدرضا آقازاده رودسری درج گردیده بود که چون مقاله مزبور متضمن مطالبی در مورد کانون وکلا بود که با واقعیات مطابقت نداشت و نویسنده در نگارش آن حقیقت و انصاف را از نظر دور داشته بود کانون وکلا به حکم وظیفه‌ای که از جانب جامعه وکلا دارد ضروری می‌داند در پاسخ به مقاله مزبور مراتب ذیل را به استحضار ملت بزرگوار ایران، حقوقدانان محترم و خوانندگان روزنامه همشهری برساند. از مسؤولان محترم آن روزنامه نیز انتظار دارد این پاسخ را برابر قانون مطبوعات در همان صفحه‌ای که مقاله مزبور به چاپ رسیده درج فرمایند.

نویسنده مقاله پس از ذکر مقدمه مفصلی در خصوص وکالت و تقسیم افراد و اشخاص در مراجعه به وکیل که نیازی به پاسخ ندارد به موضوع توسعه قضائی که از جانب رییس قوه قضائیه مطرح شده اشاره کرده و «توجه جدی و عمیق نسبت به اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته حقوق و نحوه اعطای پروانه از دست عده‌ای خاص که مخالف گسترش اعطای مجوز» هستند را از جمله «انتظاراتی تشخیص داده که فارغ‌التحصیلان و جامعه دانشگاهی شاغل تحصیل در این رشته دارند».

یکی از افتخارات بزرگ کانون وکلای دادگستری به شکر پروردگار بزرگ این است که همیشه و در هر حال خود را پای‌بند قوانین کشور و اجرای دقیق آن می‌داند و هیأت

مدیره منتخب آن که دومین دوره خود را با دو سال و نیم خدمت پشت سر می‌گذارد بر خلاف ادعای قانونگرایی از جانب دیگران و تمسک ظاهری به قانونمندی در احترام به قانون و اجرای آن و بویژه در آنچه که مربوط شأن وکالت و جامعه وکلا و تعلیم کارآموزان وکالت می‌باشد کوچکترین تعلل و تسامحی روا نداشته بلکه با تصمیم راسخ در اجرای آن اصرار می‌ورزد.

همگان استحضار دارند که در مورد انتخاب کارآموزان وکالت در تاریخ ۱۳۷۶/۱/۱۹ قانونی تحت عنوان کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری از تصویب نمایندگان دوره پنجم مجلس شورای اسلامی گذشت. در تبصره ماده اول این قانون به منظور پذیرش متقاضیان حرفه وکالت کمیسیونی پیش‌بینی شده که تعداد کارآموزان وکالت را برای هر کانون تعیین می‌نماید. کمیسیون مزبور متشکل از رییس کانون وکلا، رییس کل دادگستری استان و رییس کل دادگاه‌های انقلاب است. به طوری که از ترکیب کمیسیون مزبور بر می‌آید تعیین تعداد کل کارآموزان وکالت در حقیقت در اختیار کانون نیست بلکه قوه قضائیه با اکثریتی که در کمیسیون مزبور دارد می‌تواند هر میزان کارآموز ضروری دانست به تصویب برساند. با بررسی تبصره مزبور هر خواننده حتی غیرحقوقدان نیز تشخیص می‌دهد که کانون وکلا رأساً و مستقلاً در مورد تعداد کارآموزان تصمیم نمی‌گیرد. به این ترتیب جای هیچ‌گونه ادعا و اعتراضی در این مورد نسبت به کانون وکلا باقی نمی‌ماند که آقای نویسنده و دیگران این موضوع را در جراید عنوان می‌نمایند.

اگر آقای نویسنده به خود زحمت می‌داد و مروری هر چند مختصر بر قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت می‌نمود در نوشتن این عبارات «خارج کردن انحصار اعطای پروانه وکالت از دست عده‌ای خاص که مخالف گسترش اعطای مجوز هستند» احساس انفعال می‌نمود. زیرا ذکر چنین عباراتی آن هم برای عامه مردم که وقوف چندانی به قوانین ندارند جز سفسطه به چیز دیگری نمی‌توان تعبیر کرد.

اگر منظور نویسنده از عده‌ای خاص هیأت مدیره کانون است که باید گفت هیأت مدیره در تعیین تعداد کارآموزان نقشی ندارد و بر خلاف گفته نویسنده مقاله هیچ‌زمان هم مخالف گسترش اعطای مجوز نبوده و نیست. پذیرفتن متجاوز از ۳۵۰ نفر از ذخیره‌های

دوره قبل برای وکالت در نقاط محروم خود گویای این واقعیت است. و همه آنها اکنون مشغول گذراندن دوره کارآموزی می‌باشند و هیچ ارتباطی با تصویب ماده ۱۸۷ قانون توسعه نیز ندارد.

ذکر عباراتی مانند «نگرش کانون نسبت به فارغ‌التحصیلان رشته حقوق بسیار غیرمتعارف است» بسیار غیرمتعارف و غیرمعقول است زیرا این قانون است که تکلیف کانون وکلا را در مورد تعداد متقاضیان تعیین می‌کند نه هیأت مدیره کانون و مسئولان آن که از نظر نویسنده به عنوان «عده‌ای خاص» معرفی شده‌اند.

در جای دیگر آقای نویسنده از تصویب ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اظهار خرسندی کرده و آن را بارقه‌امیدی برای فارغ‌التحصیلان رشته حقوق دانسته است. کانون وکلا از ابتدا مخالفت خود را با تصویب چنین ماده‌ای اعلام داشته و بر خلاف ادعای آقای نویسنده نه برای حفظ موقعیت چند هزار وکیل بلکه برای مصلحت جامعه، قوه قضائیه، کانون وکلا و در نهایت خود متقاضیان حرفه وکالت با تصویب آن مخالف بوده و در این باره علل مخالفت خود را به مقامات مسئول نظام ابراز داشته است که نیازی به ذکر مجدد آنها نمی‌بیند زیرا به نظر کانون اقدام زیرکانه در گنجاندن لایحه‌ای که هیچ ارتباطی با فارغ‌التحصیلان رشته حقوق و صدور مجوز برای آنها ندارد عمل عبث و خلاف منطقی و به دور از مصلحت بوده است و بر خلاف سر و صدای طرفداران آن به عذر ایجاد اشتغال در ظاهر و موازی سازی در مقابل کانون در باطن، جز خسران برای قوه قضائیه و تحمیل مبالغی بر بودجه مملکت و مشکلات عدیده دیگری که به دنبال این اقدام پیش خواهد آمد ندارد و در نهایت هم در صورت تصویب آیین‌نامه آن، محکوم به شکست خواهد بود.

دلیل این امر شرکت هزاران نفر از فارغ‌التحصیلان رشته حقوق بود که در امتحانات ورودی کانون شرکت کردند زیرا تشخیص دادند راهی که عاقبت آنها را به نتیجه مطلوب می‌رساند مسیر کانون است و بس.

کانون وکلا با آن که کمال علاقه را به گسترش کانون و پذیرش تعداد بیشتر متقاضیان کارآموزی دارد و به رغم نوشته و گفته کسانی که عده خاص را حافظ منافع فقط چند هزار نفر وکیل می‌دانند به اشتغال جوانان برومند این کشور علاقه‌مند است ولی به گفته

خود آقای نویسنده نمی‌تواند جوابگوی خیل ده هزار نفری فارغ‌التحصیلان بیکار باشد. اگر دانشکده‌های حقوق در پذیرش دانشجویان قایل به رعایت ضوابطی نیستند یا برای تأمین منابع مالی دانشگاه‌ها بی‌رویه اقدام به پذیرش دانشجوی بیشتر می‌نمایند و در این راه به فکر عاقبت اقدام خود نبوده و هر ساله هزاران نفر فارغ‌التحصیل به خیل فارغ‌التحصیلان اضافه می‌کنند به کانون وکلا چه ربطی دارد؟ مگر قوه قضائیه این خیل عظیم را بی‌محابا و بی‌مطالعه می‌پذیرد که کانون وکلا چنین عملی را انجام دهد؟

این مسایل و مشکلاتی را که آقای نویسنده بیان کرده‌اند مربوط به خیل تحصیلکرده‌های حقوق یا اشتغال آنها نیست این مربوط به تفاوت ذهنیتی است که مسؤولان کانون وکلا و بعضی از فارغ‌التحصیلان دارند.

کانون وکلا نمی‌تواند برابر قانون و مقررات خود هر کس را که فارغ‌التحصیل حقوق شد به عنوان وکیل دادگستری بپذیرد زیرا مراتب علمی فارغ‌التحصیل حقوق باید برای حرفه وکالت احراز شود و پس از احراز این شرط که با امتحانات ورودی انجام می‌گردد کارآموز باید مدت ۱۸ ماه به کار وکالت در محاکم اشتغال ورزد و در این مدت زیر نظر وکیل یا وکلای سرپرست و شرکت در دادرسی‌ها به کار وکالت آشنایی پیدا کند و پس از پایان این دوره با شرکت در اختبار و احراز این امر برای کانون که واقعاً کارآموز آمادگی کار وکالت را دارد با ادای سوگند پروانه وکالت اخذ نماید به علاوه تنزه اخلاقی و موقعیت اجتماعی و سیاسی متقاضی باید برای کانون روشن شود و این شرط اساسی اشتغال به شغل وکالت است و بر خلاف گشاده دستی آقای نویسنده هر فارغ‌التحصیل حقوق جز با احراز شرایط مقرر در قانون نمی‌تواند وکیل شود همانطور که نمی‌تواند قاضی باشد. تدوین و تصویب قانون وکالت، لایحه استقلال کانون وکلا و آیین‌نامه آن و قانون کیفیت اخذ پروانه و نظایر آن برای تنسیق و ترتیب همین امر است که کانون با مؤسسه یا بنگاه یا اداره کاریابی فرق دارد. هر کس می‌تواند با ورود به دانشگاه و با گذراندن دوره دانشگاهی با هر نوع کیفیت تحصیلی فارغ‌التحصیل حقوق شود ولی فارغ‌التحصیل حقوق شدن ملازمه با پذیرفته شدن به حرفه وکالت ندارد. کانون وکلا مکلف شرعی و موظف قانونی است که از هر لحاظ موقعیت متقاضی را برای اشتغال به حرفه وکالت بررسی کند زیرا این جامعه وکلا هستند که حافظ مال و جان و ناموس مردم

هستند و کانون برای تحقق این هدف کوچکترین عقب‌نشینی را جایز نمی‌داند. این هیاهو و جنجالی هم که علیه کانون وکلا و جامعه وکالت به راه افتاده و بعضی مسؤولان نیز با این ترنم هم‌آوایی نشان می‌دهند، از آن فارغ‌التحصیلان حقوق نیست. این آهنگ از آن کسانی است که توانایی علمی و دانش بالای حقوقی و قضائی ندارند و می‌دانند که در امتحانات ورودی توفیقی نخواهند داشت یا از لحاظ اجتماعی و اخلاقی واجد شرایط مطلوب نیستند. آقای نویسنده در جای دیگری نوشته‌اند: «کارشناس رشته حقوق که علی‌الاصول باید حقوق دیگران را استیفاء کند به اعتبار امری که در آن کارشناس شده است شایسته نیست تحت سیطره جمعیتی باشد که خود را حافظ منافع فارغ‌التحصیلان این رشته می‌دانند در حالی که عملاً منافع اعضای سه هزار نفری کانون هستند.» نمی‌دانیم آقای نویسنده به مراتب انصاف و معدلت توجه داشته است یا نه؟ کجا کانون وکلا مدعی چنین امری است که فارغ‌التحصیلان حقوق (نه کارشناس وکالت) تحت سیطره جمعیتی باشند که خود را حافظ منافع فارغ‌التحصیلان این رشته می‌دانند. سیطره و تسلط و استیلا و از این قبیل مفاهیم در شأن کانون وکلا و نخبگان وکالت نیست و به کار بردن این کلمات نه واقعیتی را تغییر می‌دهد و نه حقیقت را طلب می‌نماید و اجتماع امروز ما از همگی این لغات نفرت و بیزاری نشان داده است.

امید است این کلام برای همگان رسالت داشته باشد که هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری تا زمانی که برابر قانون و مقررات موجود وکالت و وظیفه‌دار اداره کانون است نه با این نوشته و نه با نوشته‌های دیگر و جنجال‌های پشت پرده مسیر خود را که مبتنی بر مصلحت و عدالت است تغییر نخواهد داد و بر خلاف نوشته نویسنده و همانطور که در تمام کشورهای مختلف ضوابط و معیارهای خاصی برای انتخاب وکیل مقرر است، کانون وکلای ایران نیز بر همان شیوه و رویه و به دور از جنجال و تعصب و جهت‌گیری راه خود را ادامه خواهد داد.

این مطلب نویسنده مقاله که «جالب توجه آن که کانون وکلا هیچ‌گونه کنترل و نظارتی در حق الوکاله وکلای محترم ندارد... و آیا کانون وکلا مدافع سه هزار نفر عضو را به مصالح ۶۰ میلیون نفر ترجیح می‌دهد؟ پس چرا هرگز در فکر فراهم آوردن زمینه‌هایی نبوده است که از آن طریق عامه مردم بتوانند از کمک‌ها و مشورت‌ها و نظریات سازنده

وکلا استفاده کنند» بی‌اطلاعی کامل نویسنده را از تشکیلات کانون و قانون لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری می‌رساند زیرا:

اولاً، طبق قانون مذکور کانون دارای ارگان‌هایی است که از جمله آن دادسرای انتظامی کانون است که با حضور دادستان انتظامی و بیش از ۲۰ نفر دادیار در تمام روزهای هفته به شکایات واصله علیه وکلا رسیدگی می‌کند و سه شعبه دادگاه نیز کیفرخواست‌های صادره را مورد رسیدگی قرار می‌دهند. ثانیاً، اولین تعرفه حق‌الوکاله وکلای دادگستری در سال ۱۳۴۱ و آخرین آن در سال ۱۳۷۸ تهیه و به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است. ثالثاً، تعداد وکلای دادگستری بیش از شش هزار نفر است نه سه هزار نفر و رابعاً، اداره معاضدت کانون وکلا همه روزه پذیرای بیش از پنجاه نفر از کسانی است که جهت مشاوره رایگان و عنداللزوم تعیین وکیل معاضدتی به کانون مراجعه می‌کنند و شش نفر از وکلای دادگستری در هر روز به این مهم اشتغال دارند مضافاً این که هر روزه ده‌ها نفر از وکلای دادگستری به عنوان وکیل تسخیری و وظیفه دفاع از متهمینی را که قادر به انتخاب وکیل نیستند به عهده دارند.

نویسنده محترم در فراز دیگری از مقاله خود ادعا کرده‌اند: «باید گفت که تنها در کشور ما است که فارغ‌التحصیلان حقوق برای اخذ پروانه وکالت موظفند در چنین امتحانی شرکت کنند و چنین شیوه‌ای در کشورهای دیگر مرسوم و متداول نیست» که این بیان می‌رساند که نویسنده محترم صرف‌نظر از بی‌اطلاعی نسبت به تشکلات کانون وکلای دادگستری بر خلاف آنچه که ادعا کرده‌اند از کار وکالت در کشورهای دیگر نیز بی‌اطلاع هستند چه آن که در کشورهای پیشرفته‌ای مثل فرانسه، امریکا، ژاپن و غیره... فارغ‌التحصیلان حقوق بایستی برای اخذ پروانه وکالت دوره سخت کارآموزی را طی نمایند و از طرفی قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب سال ۱۳۷۶ که آزمون ورودی را برای اخذ پروانه کارآموزی الزامی کرده است وسیله کانون وکلای دادگستری پیشنهاد و تصویب نشده است بلکه مصوبه مجلس شورای اسلامی است.

امید آن که نویسنده محترم و دیگر نویسندگانی که قصد انتقاد از کانون وکلا و یا نهاد دیگری دارند ابتدا اطلاعات لازم را کسب کرده و سپس اقدام نمایند.

هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز